

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” ضمن دلجویی از مصدومان و مجروحان این اعتراضات، از عصیان مردم ستم کشیده در لردگان حمایت

می کند و تلاش می کند صدای اعتراض مردم ایران در سراسر جهان باشد.
رژیم جمهوری اسلامی در سراشیبی سقوط است، خشونت و سرکوب علیه مردم، تلاشی مذبوحانه بر ادامه استبداد است.
ما بر این باوریم که جمهوری اسلامی از هیچ گونه حقانیت سیاسی در ایران برخوردار نیست و باید به زباله دان تاریخ برود.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

18 مهرماه 1398 – 10 اکتبر 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان – بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان

به مناسبت چهلمین سالروز جانباختن کاک فواد مصطفی سلطانی

پیام “همبستگی برای آزادی و برابری در ایران”

جنبش وسیع و مردمی در سراسر ایران علیه نظام مستبد سلطنتی، فروپاشی آن را رقم زد. اما بختی دیگر به جای آن بر جامعه چنگ انداخت و دیری نپائید که کلیه شریان های حیاتی جامعه را در برگرفت و سیاهی و تباهی، جنایت و کشتار را بر سراسر کشور حاکم ساخت.

بعضی از احزاب، کانون ها، نهاد ها و مناطق ایران، از همان اوان،

به نحوی از انحا بوی تعفن خشونت عریان را حس کردند. آنان با تمام توان خود، در دفاع از اهداف جنبش های مردمی و برای مقابله با استبداد دینی، مقاومت و مبارزه را سازمان دادند. بدین جهت این نیروها جزء اولین اهداف سرکوب نظام تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

کردستان یکی از این مناطق بود که با بهره گیری از عوامل متعدد، از جمله سابقه تاریخی جنبش های ملی - دمکراتیک، مسلحانه و انقلابی در دهه های پیشین، سازمانیافتگی نسبی جامعه سیاسی با افکار مترقی جدایی دولت و دین و خواسته برابری زن و مرد، به مکانی تبدیل شد که به درستی "سنگر آزادگان" نام گرفت. اعتماد توده مردم به این مجموعه، جنبشی را به وجود آورد که تا کنون نیز ادامه دارد. در میان این مجموعه، کسان زیادی بودند که به خاطر مقاومت در زندان، رفتار و کردار انسانی و تلاش برای محرومترین و تهیدست ترین اقشار جامعه، بی آنکه دیدگاه ها و گرایشان فکری و حزبی آنان مورد پرسش مردم قرار گیرند، به زودی در دل توده ها جای گرفتند.

کاک فواد مصطفی سلطانی، از جمله این چهره های ماندگار است. مقاومت او در زندان های شاه، فعالیت و تلاش خستگی ناپذیرش در میان جوانان و مردم، پس از آزادی از زندان و مشارکت وی در هدایت جنبش همگانی تا سرنگونی استبداد سلطنتی زبانزد توده ها و مبارزان کردستان بوده و می باشد. تلاش فراوان برای گرد هم آوری آن دسته از نیروهای سیاسی که دارای تشکیلاتی نبودند، تشکیل "اتحادیه کشاورزان"، ایجاد شورای شهر مریوان و گفتگو با نمایندگان حکومتی و دیگر کنش های سیاسی در کارنامه درخشان فواد و در تاریخ معاصر کردستان ایران، برای همیشه ثبت است. کوشش ها، تیزبینی سیاسی متانت و بردباری و عشق به توده ها، وی را در زمره شخصیت های دور اندیش و سیاستمدار و محبوب جامعه قرار داده است.

کوچ تاریخی مردم مریوان و ابتکارات سیاسی برای جلوگیری از یورش نیروهای رژیم به شهر و مردم بی دفاع، با نام زنده یاد کاک فواد عجین گشته است. حرکتی که بر خواسته های جنبش مقاومت در کردستان پای می فشرده و به حق شجاعانه و در عین حال پر مسئولیت بود.

این حرکت سیاسی نه تنها نشان از درایت و مصلحت اندیشی کاک فواد داشت، بلکه بیانگر این واقعیت است که متکی به مردم بودن و حفظ حمایت و همراهی آن ها با اعتماد به نفس کامل به خود در عمل سیاسی، از جمله عواملی هستند که کسانی چون کاک فواد را در جامعه

برجسته می کنند. بی دلیل نیست که او برای مردم کردستان و بسیاری دیگر یکی از رهبران جنبش مقاومت خلق کرد محسوب می شود.

خمینی در بیست و هشتم مردادماه 1358 فرمان جهاد داد و یورش همه جانبه به کردستان آغاز شد. متأسفانه چند روز بعد، در نهم شهریور ماه، کاک فواد در نزدیکی روستای "بسطام" در محور مریوان - بانه آماج گلوله های ارتجاع قرار گرفت و به همراه یکی دیگر از فعالان سیاسی جان باخت.

عمر کوتاه کاک فواد بدان گونه بود که گوئی همواره در کنار مردم زیسته و برای آنها بوده است. تلاش چند ماهه بعد از انقلاب ثمره داد و بی گمان نقش وی در پاگیری جنبش در کردستان ماندگار است. کاک فواد از بنیانگذاران "کو مه له" محسوب می شود. چهار تن از دیگر برادران کاک فواد قبل و پس از جانباختن وی نیز قربانی جنایت و توحش جمهوری اسلامی شده و به جوخه های اعدام سپرده شدند.

ما ضمن تجدید خاطره و عهد با خانواده بزرگ مصطفی سلطانی، با همه جریانات، نهادها و کسانی که به نحوی خود را ادامه دهنده راه کاک فواد می دانند، بار دگر در مقابل مبارزات و تلاش های خستگی ناپذیر کاک فواد ادای احترام می کنیم.

در شرایط حساس کنونی، جای کاک فواد ها خالی است. اما رهروان و همراهان او می بایست به وظیفه تاریخی خود برای تحقق اهداف مبارزاتی مشترک عمل نموده و تلاش های خود را در امر همکاری مشترک علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، چندین برابر کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" *

شهریورماه 1398 - سپتامبر 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

طرح "بسندگی زبان فارسی"

حذف هویت ملیتهای ایرانی با حذف زبان مادری

اعلامیهی "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"

سرپرست معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، رضوان حکیم زاده، روز چهارشنبه هشتم خرداد ۱۳۹۸ اعلام کرد که وزارت آموزش و پرورش با توجه به "تاکید رهبری به یادگیری زبان فارسی" و به منظور "اجرای عدالت آموزشی" و "جلوگیری از زدن برجسب دیرآموز به دانشآموزان مناطق دوزبانه" برای ایران، در صدد اجرای طرح "بسندگی زبان



فارسی" در بخشهایی از ایران است که زبان مادری کودکان، فارسی نیست. بر اساس این طرح به گفته رضوان حکیم زاده قرار است استانداردهای آمادگی "بسندگی زبان فارسی" در قالب طرح سنجش نوآموزان احصا شود تا آنها قبل از ورود به دبستان، غربالگری شده و افرادی که با زبان فارسی آشنایی ندارند، خدمت هدفمند دریافت کنند. بدیگر سخن کودکانی که زبان مادریشان فارسی نیست، پیش از ورود به مدرسه باید یک آزمون زبان فارسی دهند و در صورت موفقیت در این آزمون میتوانند به کلاس درس راه یابند. البته فعلا در مورد این که اگر کودکی در آزمون موفق نبود چه خواهند کرد، طرح مشخصی ارائه نشده است و تنها وعده خدمات جبرانی داده شده است.

دولت روحانی ادعا می کند که با این طرح، میکوشد تا از مشکلات آموزشی این کودکان بکاهد اما در اصل، حکومت تلاش میکند تا با تحمیل زبان فارسی به کودکان خردسال پیش دبستانی غیرفارسی زبان، اولاً زبان فارسی را از زبان رسمی به زبان اجباری تبدیل کند و با ادامه این سیاست فاشیستی از جمله هویت ملیتهای ایران را به تدریج از بین برده و سیاست یک دولت مرکزی، یک مذهب و یک زبان که از زمان قدرت گیری حکومت پهلوی تا به امروز ادامه داشته است، را در ابعاد وسیعتر، به مردمان و جامعه ما حقه کند.

جمهوری اسلامی ایران، از بدو روی کار آمدنش، سیاستهای حکومت شاهنشاهی پهلوی در قبال ملیت‌های غیرفارسی زبان ایران را به خشن‌ترین وجهی ادامه داده و در چهل سال گذشته، با توسل به نیروی سرکوب و نقض حقوق ملی این بخش از مردمان کشور، خواسته‌های حق طلبانه آنان را ندیده گرفته است. و هر روز نیز با طرح و برنامه جدید و با ابلاغ بخشنامه، بر دامنه ستم مضاعف و نقض خشن‌تر حقوق ابتدایی شهروندی و بشری آنان میافزاید.

در پی سخنان معاون آموزش و پرورش موج اعتراض وسیعی در مخالفت با این طرح فاشیستی به راه افتاد و دولت برای آرام کردن اوضاع اعلام کرد که این طرح هنوز به مرحله اجرا نرسیده است ولی بر طبق گزارشات خبرگزاری‌ها علیرغم ادعای دولت، در برخی از مناطق ملیتها این طرح به اجرا درآمده است همچنین خودداری ثبت نام کودکانی که در آزمون "بسن‌دگی فارسی" موفق نبوده‌اند، در بعضی از این شهرستانها گزارش شده است.

کنوانسیون حقوق کودک به روشنی در باب اهمیت پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانائیهای ذهنی و جسمی کودکان سخن میگوید. اما پاشنه دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان بر بنیاد سیاستهای تبعیض آمیز قرون وسطائی، بنیادگرایانه و فاشیستی میچرخد و روزگار سیاهتری را برای جامعه ما و به ویژه اکثریت کودکان در ایران فراهم می‌سازد. حمید رضا بابایی وزیر آموزش و پرورش چند سال پیش هم گفته بود "70 درصد دانش‌آموزان در سراسر کشور، دو زبانه (شما بخوانید غیرفارسی زبان) اند". در آن دوره نیز وزارت آموزش و پرورش بجای تدارک تحصیل کودکان به زبان مادری همچنان برنامه حقنه کردن زبان فارسی را برای این کودکان مورد توجه قرار داده بود.

کودکی که تا هفت سالگی در خانواده و میان خویشاوندان، در محیط زندگی، محله و شهر به زبان دیگری غیر فارسی سخن میگوید، بسیار طبیعی است که با ورود به مدرسه، زبان شفاهی آموخته در بطن خانواده و یا شهر و روستای خود را با آموختن کتبی آن زبان دنبال کند. اینجا سخن از درصد عظیمی از کودکان مدارس ایران است. نادیده گرفتن زبان مادری کودکان در آغاز تحصیل و نبود آموزش کتبی به زبان مادری آنها، اعمال خشونت علیه کودکان و تجاوز آشکار به ذهن و فکر در حال رشد و تعالی آنهاست.

استدلالات منطقی، علمی، فرهنگی و انسان‌گرایانه در این رابطه در گوشه‌های رژیم جمهوری اسلامی کارگر نیست. فاشیسم دینی، خشونت و

سیاستهای تبعیض آمیز حاکم در وزارتخانه های جمهوری اسلامی در فکر تعرض بیشتر به فکر و اندیشه کودک برای دور ساختن وی از هویت ملی، زبانی و فرهنگی اوست.

در طول چهل سال گذشته تلاشهای رژیم برای حل مسئله ملی در ایران از طریق نیروی نظامی و زور و سرکوب به جایی نرسیده است و اکنون حکومت با طرحهایی این چنین میکوشد تا صورت مسئله را پاک کند. این طرح اما به مرحله پیش دبستانی محدود نمیشود و فکر بیمار حاکمان دخالت از گهواره را در نظر دارد.

به گزارش ایسنا، رضوان حکیم زاده در نشست خبری، اجرای سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی نوآموزان (در) بدو ورود به دبستان اظهار کرد: "امیدواریم سنجش را، به جای بدو ورود به دبستان، دو سال قبل دبستان انجام دهیم". وی افزود: "اکنون سنجش به صورت اختیاری برای ۵ ساله ها و به طور محدود برای ۴ ساله ها نیز انجام میشود، اما اگر بتوانیم سنجش را دو سال عقب ببریم امکان مداخلات بهتری فراهم میشود، البته لازمه آن، این است که دوره پیش دبستانی را هم دو سال قبل از کلاس اول داشته باشیم". به دیگر سخن حکومت تصمیم دارد تا با اجرای این طرح از زمان زبان باز کردن کودکانی که زبان مادری آنها غیر فارسی است، در آموزش زبان آنها مداخله کرده و در واقع بصورت خزنده وارد زندگی تربیتی کودکان غیرفارسی زبان شوند. این طرح در واقع بنیان خانواده های ملیتهای مختلف ایران را مد نظر دارد و دور نیست اگر گفته شود که اینگونه میخواهند صورت مسئله "مسئله ملی" در ایران را پاک کنند.

چنانچه این طرح پیاده شود، "بسندگی زبان فارسی" هم به برنامه غربالگری در پیش دبستانی افزوده خواهد شد و از آن به بعد با "نابسندگی" و عدم کفایت زبان فارسی کودکان غیرفارسی زبان، به مثابه یک ناتوانی و مانند مواردی همچون کم بینایی، کم شنوایی یا یک اختلال یادگیری برخورد خواهد شد.

امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا که بشکل فدراتیو اداره می شوند مسئله حفظ زبانهای مردمان یک سرزمین به عنوان یک گنجینه و میراث فرهنگی، از اولویت بالایی برخوردار است و تمامی سازمانهای فرهنگی و حقوق بشری و همچنین سازمان ملل متحد (یونسکو) نه تنها بر حفظ زبانها تأکید دارند بلکه تلاش بر این است که امکانات هرچه بیشتری از طرف دولت ها در اختیار این مردمان قرار گیرد، گرایش به همسان سازی و حذف زبانها، گویشها و فرهنگها در واقع تلاشی است برای حذف

هویت مردمان ایران و حقنه کردن آمریت و استبداد دولت جمهوری اسلامی بر سراسر ایران، ما بر این باوریم که آموزش زبانهای مادری (چند زبانی) باید جزء بنیاد آموزشی در ایران بوده و همچنین بعنوان امکان آموزشی داوطلبانه در مناطق فارسی زبان در برنامه های آموزشی دبستانی تا دانشگاهی تدارک دیده و اجرا شود، چرا که زبان، پل ارتباط میان فرهنگ ها و ملیت های گوناگون و امکانی برای تحقق برابرحقوقی فرهنگی است.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” طرح بنیادگرایانه، فاشیستی، ستمگرانه و کودک آزار “بسندگی زبان فارسی” برای کودکان غیرفارسی زبان را به شدت محکوم می کند. “همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” ضمن تاکید بر جایگاه زبان فارسی به عنوان زبان مشترک و ارتباطی بین تمامی مردمان ایران، بر لزوم و ضرورت آموزش به زبانهای مادری تاکید داشته و آن را حق طبیعی میلیونها کودکی میداند که زبان مادریشان فارسی نیست. نبود آموزش به زبان مادری تنها یک حق پایمال شده میلیونها کودک و آزار آنان نیست، بلکه همزمان، اجبار آنان است به آینده ای ناموفقتر و فرودستتر به نسبت کودکان فارسی زبان و در همانحال تشدید ستمگری بر تمامی ملیتهای ایران است.

حق تحصیل به زبان مادری یک حق دموکراتیک است که همچون بسیاری دیگر از حقوق دموکراتیک مردم ایران از سوی حکومت اسلامی زیر پا گذاشته شده است. ما از همه اشخاص، جریانات و نهادهای ترقیخواه مدافع حقوق بشر دعوت میکنیم تا با اعتراض علیه این طرح فاشیستی و ستمگرانه، رژیم را به عقب نشینی وادارند.

ایران از آن تمامی مردمان و ملیت های آن است و تنها با حقوق برابر آنها و تکیه بر صلح و همزیستی دموکراتیک میان آنها میتواند به کاروان دموکراتیسم و ترقی در جهان بپیوندد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

23 مردادماه 1398 - 14 اوت 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان،

حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان

توپ باران مناطق مرزی کردستان توسط جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم

طبق اخبار رسیده، حملات توپخانه ای وسیعی همراه با پروازهای پهباد و هلی کوپتر، روز چهارشنبه (دیروز) علیه مناطق مرزی کردستان صورت گرفت که امروز هم همچنان ادامه داشت.



این حملات، بخشهای متعددی در شمال و شمال مرکزی منطقه را هدف قرار داده که طی آن علاوه بر ضرر و زیان فراوان محیط زیستی و نابودی مزرعه و مراتع، متأسفانه موجب کشته شدن دو نفر از اهالی منطقه و زخمی شدن تعدادی دیگر شده است. دو تن از پیشمرگان کومه له زحمتکشان کردستان هم زخمی شده اند که حال یکی از آنان وخیم گزارش شده است.

واقعیت این است که رژیم هر بار با بهانه حضور نیروهای اپوزیسیون کرد در کردستان ایران، مناطق مرزی و خاک اقلیم کردستان عراق را نیز مورد هدف قرار میدهد و باعث خسارتهای جانی و مالی جبران ناپذیری برای مردم این مناطق میشود.

این حملات و تهاجم با هر بهانه ای صورت گرفته باشد نشان از عدم پایبندی و احترام رژیم جمهوری اسلامی به حداقل موازین بین المللی در رابطه با همسایگان خود بوده و تجاوز و تعرض به مناطق آنان را به امری عادی تبدیل نموده است. تهدیدات فرماندهی "قرارگاه رمضان"، خطر ادامه و تشدید حملات به این مناطق را افزایش داده

است. این اقدامات نمونه های آشکاری از تعرضات تحریک آمیز برای پیشبرد مقاصد جنگ طلبانه و ضدانسانی رژیم غاصب حاکم بر ایران می باشد.

ما این اقدام تجاوزکارانه را قویا محکوم می کنیم و ضمن همدردی با خانواده قربانیان آن و آرزوی بهبودی سریع برای زخمی شدگان این حملات، از همه نیروها انتظار داریم که با محکوم نمودن این جنایات، چهره ضد مردمی رژیم را هرچه بیشتر افشا کنند. باشد که دست توانای مردم و جنبش عادلانه و دموکراتیک آنها، با سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران، این مانع صلح و آزادی و دموکراسی را از سر راه خود و منطقه بردارد.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

20 تیرماه 1398 - 11 ژوئیه 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

از تحصن سراسری فرهنگیان حمایت و پشتیبانی می کنیم



همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با صدور فراخوانی در تاریخ دوشنبه 6 اسفند، از معلمان سراسر کشور درخواست کرده است در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه ۹۷ در دفتر مدارس تحصن نموده و از حضور در کلاسهای درس خود داری نمایند.

فراخوان اخیر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در ادامه حرکت‌های اعتراضی فرهنگیان شاغل و بازنشسته و بویژه تحصن های مهر و آبان سال جاری که با شرکت وسیع فرهنگیان صورت گرفت، صادر شده است.

فرهنگیان در طی سال‌های اخیر و به شیوه‌های گوناگون ضمن ابراز نا رضایتی از سیستم آموزشی در کشور، به وضعیت ناهنجار شغلی، پایین بودن دستمزد و حقوق فرهنگیان شاغل و بازنشسته، اعتراض کرده اند.

پاسخ حکومت اسلامی در ایران اما به این خواسته‌های برحق، در اکثر موارد، حمله به تجمعات، ضرب و شتم، اخراج از کار، بازداشت و زندانی کردن معلمان بوده است. هم از این رو، اولین خواسته در فراخوان به تحصن در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه ۹۷ " آزادی فعالان صنفی فرهنگی و بسته شدن همه پرونده ها در این زمینه " می باشد.

فرهنگیان با وقوف کامل بر حقوق مدنی خود، داشتن تشکلهای آزاد صنفی را به عنوان دومین خواسته مطرح کرده اند. از جمله خواسته های دیگر، اختصاص بودجه کافی و متناسب به آموزش و پرورش و توقف سیاست پولی سازی مدارس، همسان سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان و ارتقای آن به بالاتر از حد خط فقر و لغو قرار داد با بیمه ناکار آمد، می باشند.

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"، ضمن پشتیبانی قاطعانه از تحصن فرهنگیان، اقشار مختلف مردم و بویژه دانش‌آموزان و

دانشجویان را به حمایت از آنان فرا خوانده و همزمان می‌کوشد صدای اعتراض حقیقت‌طلبان را هرچه رساتر منعکس نماید.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

9 اسفند ماه 1397 - 28 فوریه 2019

اطلاعیه آغاز فعالیت « همبستگی برای آزادی و برابری در ایران »



چهل سال از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد، که در این مدت حاصلی جز جنایت، سرکوب، کشتار و اعدام، غارتگری و تشدید فقر روز افزون برای مردم نداشته است. درچنین شرایطی، شاهد اعتراضات توده‌های مردم برای رفع تبعیض، آزادی و عدالت اجتماعی، دراشکال مبارزات برابری‌طلبانه ملیت‌های مختلف ایران، جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات مدنی کارگران، زنان، دانشجویان، کشاورزان، فرهنگیان، حفظ محیط زیست، بیکاران و تهیدستان می‌باشیم.

تعمیق بحرانهای چندگانه درتار و پود جامعه از یکسو، و تشدید تنش و تخاصم در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و تحریم‌های ناشی

از آن از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران را ناتوان‌تر از همیشه و درسراشیب فروپاشی قرار داده است.

درچنین وضعیتی، ادامه حاکمیت این رژیم جز زیان و مصائب بیشتری برای مردم ندارد. از این رو همراهی و اشتراک مساعی همه نیروهای جمهوریخواه دموکرات برای پشتیبانی از مبارزات مردم در جهت مقابله با جمهوری اسلامی درایران، بیش از هرزمان دیگری، ضروری است.

با درک این واقعیت، ما احزاب و سازمان‌های امضاکننده تفاهم نامه 25 آبان 1397 - 16 نوامبر 2018، همکاری رسمی خود را با نام زیر آغاز می‌کنیم:

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

بنا به تفاهم نامه مورد توافق، ما مشترکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی وجایگزینی آن با یک نظام برخاسته از آراء مردم بر مبنای جمهوریت، دموکراسی، جدائی دین و دولت و فدرالیسمی که تأمین حقوق برابر ملی - دموکراتیک ملیتها و اقوام ساکن ایران باشد، مبارزه می‌کنیم.

ما از مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه مردمان ایران و جنبشهای مدنی و اجتماعی جاری، قاطعانه حمایت می‌کنیم. ما مصمم هستیم با تاکید برمنافع و حقوق مردم کشورمان و پایان بخشیدن به ستم‌ها و تبعیضات موجود و تامین برابر حقوقی، ایران فدرال، آزاد، آباد، دموکراتیک، یکپارچه و متحد آینده را باهم بسازیم.

ما خواهان صلح ومخالف سیاستهای مداخله جویانه وجنگ افروزان جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان هستیم.

ایران آیند، ضمن احترام متقابل و رعایت حسن همجواری، با حق حاکمیت کشورها احترام می‌گذارد. ما اعلام میداریم که جمهوری اسلامی ایران باید به مداخلات خود در امور کشورهای همسایه و ماجراجویی هایش در سطح منطقه پایان داده و بی قید و شرط، نیروهایش را از تمامی کشورهای منطقه خارج نماید.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران”، ازحمایت افکار عمومی جهان، نیروهای مترقی و نهادهای بین المللی از مبارزات مردم برای استقرار دموکراسی در ایران استقبال میکند و مخالف دخالت

دولت‌های خارجی در امور داخلی ایران می‌باشد.

ما تشکیل "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" را گامی مفید و ضروری در جهت اتحاد گسترده نیروها و جریانات جمهوریخواه دموکرات ایران می‌دانیم و به همین دلیل نیز دست همکاری مان را به سوی همه نهادها، سازمان‌ها، احزاب، شخصیت‌ها و فعالان سیاسی و اجتماعی دموکرات، آزادیخواه و مدافع حقوق بشر، دراز کرده و آمادگی خود را برای همکاری در چارچوب فوق اعلام می‌کنیم.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

4 اسفند 1397 - 23 فوریه 2019

(احزاب و سازمان‌های تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان)